

نگاهی به «خروج»؛ فیلمی که تغییر لحن کارگردانش آن را دوست داشتنی تر کرده است

عصبانی نیستم!

دنیاخامی: نگاه‌ها به فیلم صفر و صدی است؛ همان طور که در جشنواره اینطور بود. اما همان مخالفان هم نمیتوانند در این فیلم منکر ارزش‌های کارگردانی بشوند؛ «خروج» فیلمی است که در آن کمتر به صورت «گل‌درشت»، مثل آثار سابق ابراهیم حاتمی‌کیا از استعاره استفاده می‌شود و هر تشبیهی بجا و خواناست، از عنوان رحمت و پنبه تا آب‌سنگین، شکل مذاکره، پارکینگ ماشین و...



خروج

سکناات قهرمان و آدم‌هایش و اتمسفر را تغییر می‌دهد و موقعیت‌ها را کوچک‌تر در اندازه یک روستا اما با انتزاع یک کشور می‌کند. عدل آباد؛ محل سکونت شخصیت‌ها با لهجه‌های متفاوت، خود یک کشور است که قرار بود عدالت آبادش کند اما حالا اهالی‌اش از داد ظلمی که به آن‌ها روا شده به شهر پناه می‌برند؛ با تاکید مکرر بر دیدن رییس جمهور و استفاده استعاری از وجه تسمیه پاسور. حاتمی‌کیا برخلاف موضع «گزارش یک جشن» که عصبانیت را در قاب دوربین بازی‌ها و با دیالوگ‌های شعاری و شلوغ کردن خیابان‌ها نشان می‌داد، اینجا قهرمانی را نشان می‌دهد که یک نفر است، چندصدایی منطقی است و حتی مشابه قهرمان‌های دیگر کارگردان نیست و هیچ جایی تلاش بر ارائه مانیفست سیاسی یا اجتماعی ندارد و فریاد نمی‌زند و آرام پیش می‌رود و مرتب تاکید می‌کند که هیچ، پی‌یار کشی



شکل اعتراض
بر خلاف فیلم‌های قبلی صاحب اثر تغییر کرده است که کسی میانه میدان، با صدایی رسا حقوق خودش و یک بخش از مردم مظلوم را مطرح می‌کند. این بار صدای اعتراض بلند نیست و قهرمان فیلم قصدی هم برای به میدان آمدن ندارد و گوشه‌ای سرگرم زندگی ساده خودش است

در حرم حضرت معصومه (س) کمی از این هدف فاصله می‌گیرد. مقابله بهبوده بسا اینکه چرا یک فیلمساز آلمان‌هایی را تکرار می‌کند یا ارائه‌کننده را با این فرم می‌پسندد، کار عبث و دور از عقلی است چرا که هر فیلمسازی در جهان امضای خود را دارد و مخاطبان او می‌توانند نقاطی را پررنگ یا کم‌رنگ به صورت تکرار شونده در آثار او ببینند و این اصلا رویه اشتباهی نیست، اگر به تکرار فرمی کسل‌کننده نرسد. برای این عدم تکرار در طول این سال‌ها حاتمی‌کیا بیانش را در شکل‌های دیگری از سینما چه به صورت روایت پرتره در «چ»، چه به صورت یک ملودرام قصه‌گو در «بادیگارد» یا بعدتر با دل سپردن به شکل دیگری در «به وقت شام» و استفاده از تکنیک در سینما... تجربه کرد و حالا در «خروج» با شکل سینمای جاده‌ای باز امضای خود را زیر اثر می‌زند اما رفتار و

حاتمی‌کیا در این فیلم منهای یکی، دو نفر، از جوانان فاصله گرفته و لحن آرام‌تر و بی‌هیاهوتری به فیلمش داده و همین آرامش نسبی از شعارزدگی نجاتش داده است؛ نکته تامل برانگیزی که نشان از معادلات و ریسک کارگردان برخلاف رویه فروش و گیشه است. فیلم به جای موقعیت‌های مکانی لاکچری و خانه و ماشین‌های گران‌قیمت در طول جاده و سوار بر تراکتور و با سادگی هرچه تمام‌تر می‌گذرد. لحن شیرین شخصیت‌ها، تلخی قصه را کم می‌کند و در «خروج» قرار بر آشک گرفتن نیست و اتفاقا گویسی کارگردان به تعمد، طنازی شخصیت‌هایش را بیشتر کرده و در هر دو پلانی که خشونت وجود دارد، از زاویه دید کارگردان و با دوربین او نیست و با دوربین گوشی تلفن همراه و از زاویه شخص سوم است و ترجیح صاحب اثر بر تامل است تا شوربخشی. (هرچند که در بخش‌هایی، خاصه